**

*اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم*

خارج فقه ج 53 - نواقض وضو – 1/10/1400

*موضوع:* كتاب الطهارة/الوضوء /نواقض وضوء

فرع سوم : در ناقضیت ریح فرقی نیست بین اینکه ریح‌ صدا دار یا بو دار باشد یا غیر این باشد بلکه ملاک در ناقضیت، یقین به خروج باد معده است، دلیل آن روایات است یکی از آن ها صحیحه علی بن جعفر عن أخیه مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ (علیه السلام) قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ فِي الصَّلَاةِ فَيَعْلَمُ أَنَّ رِيحاً قَدْ خَرَجَتْ فَلَا يَجِدُ رِيحَهَا وَ لَا يَسْمَعُ‏ صَوْتَهَا قَالَ يُعِيدُ الْوُضُوءَ وَ الصَّلَاةَ وَ لَا يَعْتَدُّ بِشَيْ‏ءٍ مِمَّا صَلَّى إِذَا عَلِمَ ذَلِكَ يَقِيناً.[[1]](#footnote-1)

مؤید این روایت ، روایتی که در فقه الرضا علیه السلام است که فرمودند : أَوْ رِيحٍ‏ تَسْتَيْقِنُهَا فَإِنْ شَكَكْتَ فِي رِيحٍ أَنَّهَا خَرَجَتْ مِنْكَ أَوْ لَمْ تَخْرُجْ فَلَا تَنْقُضْ مِنْ أَجْلِهَا الْوُضُوءَ إِلَّا أَنْ تَسْمَعَ صَوْتَهَا أَوْ تَجِدَ رِيحَهَا وَ إِنِ اسْتَيْقَنْتَ أَنَّهَا خَرَجَتْ مِنْكَ فَأَعِدِ الْوُضُوءَ سَمِعْتَ وَقْعَهَا أَوْ لَمْ تَسْمَعْ وَ شَمَمْتَ رِيحَهَا أَوْ لَمْ تَشَم‏.[[2]](#footnote-2) پس ملاک یقین به خروج باد است

إن قلت : در صحیحه زراره جلسه قبل ، مقید به صدا و بو بود «ضَرْطَةٍ تَسْمَعُ صَوْتَهَا أَوْ فَسْوَةٍ تَجِدُ رِيحَهَا» آیا این صحیحه با این دو روایت فوق در تعارض هستند یا نه ؟

قلت : خیر چون بیان امام علیه السلام از صدا یا بوی باد بیان موضوعی نیست بلکه طریقی است یعنی این دو مورد علامت برای خروج باد می باشند نه اینکه این دو خودشان موضوعیت داشته باشند که اگر هیچکدام نبودند با اینکه علم به خروج ریح است وضو باطل نیست پس اینها طریقیت و علامت رسیدن به یقین هستند

فرع چهارم : بادی که از آلت زن خارج می شود ناقض وضو نیست و مشهور فقها بلکه اکثر این را قائلند اما مرحوم محقق و علامه در معتبر و تذکرة الفقها [[3]](#footnote-3) ناقض می دانند و دلیل آنها این است که آلت زن منفذی دارد که متصل به شکم است و ممکن است این باد از معده زن از این طریق بیرون آمده باشد.

مرحوم محدث بحرانی می فرماید عده ای از اصحاب امامیه تصریح به ناقضیت بادی که از آلت مرد و زن خارج می شود کرده اند بدون اینکه مقید کنند که از راه طبیعی خارج شود در حالی که در بول و غائط ناقضیت را مقید به آن بول و غائطی کرده اند که از مخرج طبیعی خارج شود. [[4]](#footnote-4)

جواب فقها این است که نصوص آن بادی را ناقض می داند که از مخرج غائط خارج شود و عنوان غائط صدق کند و آلت زن و مرد را شامل نمی شود چون عنوان غائط صدق نمی شود لذا تعدی از مخرج غائط به غیر آن نیاز به دلیل است و ما دلیل نداریم و دلیل بر خلاف آن است مثل روایت تَجَشّؤ یا همان آروغ زدن

چهارمین مورد ناقض وضو : خواب

از جهاتی باید بحث شود :

جهت اول : خواب، مطلقا مبطل وضو است چه ایستاده و نشسته و هر حالتی که باشد ، برخی از حنبلی ها و مالکی ها مخالفت کرده اند حتی نسبت به مرحوم صدوق هم داده اند که ایشان برخی از حالات را باطل نمی داند مانند اینکه کسی نشسته بخوابد و نشیمنگاه او باز نباشد وضو باطل نیست

شاهد : روایتی در من لایحضره الفقیه آمده که جناب مرحوم صدوق در اول این کتاب فرموده که احادیث در این کتاب فتوای من است ، «وَ سُئِلَ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ (علیه السلام) عَنِ الرَّجُلِ يَرْقُدُ وَ هُوَ قَاعِدٌ هَلْ‏ عَلَيْهِ وُضُوءٌ فَقَالَ لَا وُضُوءَ عَلَيْهِ مَا دَامَ قَاعِداً إِنْ لَمْ يَنْفَرِجْ‏»[[5]](#footnote-5) رُقود یعنی خواب ، مرحوم حکیم می فرمایند که مرحوم صدوق از این نظر خودش برگشت اما مرحوم علامه مجلسی می فرماید ایشان بر نگشته اند .

جواب به روایت فوق : اولا روایت مرسله است. ثانیا قول امام علیه السلام در و« إِنْ لَمْ يَنْفَرِجْ‏»[[6]](#footnote-6) کنایه است که طوری نخوابیده که شعور و عقل او خوابیده باشد یعنی چشم خوابیده اما گوش می شنود وجه آن این است که انفراج یعنی خلاف میل طبیعی و این آقا طوری خوابیده که از طبیعت خودش خارج نشده و بی حواس نیست

اما دو روایت دایم :

روایت اول : عن بكر بن أبي بكر الحضرمي، قال: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) هَلْ يَنَامُ‏ الرَّجُلُ‏ وَ هُوَ جَالِسٌ فَقَالَ كَانَ أَبِي يَقُولُ إِذَا نَامَ الرَّجُلُ وَ هُوَ جَالِسٌ مُجْتَمِعٌ فَلَيْسَ عَلَيْهِ وُضُوءٌ وَ إِذَا نَامَ مُضْطَجِعاً فَعَلَيْهِ الْوُضُوءُ.[[7]](#footnote-7) اگر مرد نشسته بخوابد به طوری که پاهایش جمع باشد وضو نمی خواهد اما اگر به پشت یا پهلو بخوابد باید وضو بگیرد

روایت دوم : عن عمران بن حمران «أَنَّهُ سَمِعَ عَبْداً صَالِحاً (علیه السلام) يَقُولُ‏ مَنْ نَامَ وَ هُوَ جَالِسٌ لَا يَتَعَمَّدُ النَّوْمَ فَلَا وُضُوءَ عَلَيْهِ».[[8]](#footnote-8)

اشکالات فقها بر این دو روایت :

اول : این دو راوی توثیق ندارند

دوم :این دو روایت اشاره دارد به حالتی که چشم خوابیده اما گوش او می شنود

سوم : این روایات باید حمل بر تقیه شود چون موافق با عامه است که آنها می گویند خواب بنفسه ناقض نیست و باید با باد معده خارج شود

چهارم : این روایات با اخبار صحیحه بسیاری روبه رو است که خواب را در همه حال ناقض وضو می دانند و توان معارضه ندارد

جهت دوم : ناقضیت خواب مقید به آنجایی است که بر دل و گوش و چشم غلبه کند، به نظر ما ظاهرش این است که خواب هوش و حواس و عقل را بگیرد و علامتش این است که هم چشم و گوش بسته شود و دلیل همان صحیحه زراره است که و النوم حتی یذهب العقل لذا مثل مرحوم مجلسی در تفسیر این روایت نوشته که مقدمات خواب ناقض نیست و در ادامه روایت است که « كُلُّ النَّوْمِ يُكْرَه‏ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تَسْمَعُ الصَّوْتَ».[[9]](#footnote-9) که یکره یعنی یفسد [[10]](#footnote-10) یعنی تمام خوابها مبطل وضو است مگر اینکه گوش بشنود لذا به نظر ما قید غلبه خواب بر قلب و گوش و چشم قید توضیحی است و احترازی نیست لذا گوش و چشم جنبه اماریت دارند و عطف آن تفسیری است .

دلیل آن روایت : عن عبد الله بن المغيرة، و محمد بن عبد الله، « قَالا سَأَلْنَا الرِّضَا (علیه السلام) عَنِ الرَّجُلِ يَنَامُ‏ عَلَى‏ دَابَّتِهِ‏ فَقَالَ إِذَا ذَهَبَ النَّوْمُ بِالْعَقْلِ فَلْيُعِدِ الْوُضُوءَ».[[11]](#footnote-11)

1. -وسائل الشيعة، ج1، ص176، باب1ح9 من ابواب نواقض الوضوء [↑](#footnote-ref-1)
2. - الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام، ص67. [↑](#footnote-ref-2)
3. - المعتبرص27، تذکره الفقهاء ج1 ص101. [↑](#footnote-ref-3)
4. - الحدائق الناظره ج2، ص94. [↑](#footnote-ref-4)
5. - من لا یحضره الفقیه، ج1، ص63. [↑](#footnote-ref-5)
6. - من لا یحضره الفقیه، ج1، ص63. [↑](#footnote-ref-6)
7. - الوسائل، ج1، ص187،باب3من ابواب نواقض الوضوء، ح15. [↑](#footnote-ref-7)
8. - همان، ح14. [↑](#footnote-ref-8)
9. - الوسائل، ج1، باب2 من ابواب نواقض الوضوء. [↑](#footnote-ref-9)
10. -مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، ج13،ص116. [↑](#footnote-ref-10)
11. -تهذيب الأحكام ، ج1،ص6. [↑](#footnote-ref-11)